

# چرا از خدمات رضا شاه تقدیر می کنیم؟؟

نوشته: دکتر منوچهر یزدی

چرا از رضا شاه تجلیل می کنیم؟ این سوالی است که گاه بیخ گوشم پیچ پیچ می کنند و موقعی که می پرسم مگر شما منکر خدمات او هستید، زمزمه کنان میگویند آخر، حالا وقت اش نیست!!

این دل سوزی های بی خردانه و پیچ پیچ های ذلیلانه که فقط میتوان آن را نوعی فرصت طلبی های جاهلانه نامید دل هر وطن پرستی را بدرد می آورد، ... اگر من امروز در راه سپاس از رضا شاه مطلب مینویسم به نوعی پرده از حق ناسپاسی آنانی که با اهانت به رهبر یک کشور و به ملت مهر خطا و خیانت می زنند بر می دارم ناسپاسی که راه را برای هجوم بیگانه و تحقیر ملت ایران باز میکند.

آیا مردم ترکیه که به مصطفی کمال پادشاه لقب پدر تُرک (آتاتُرک) دادند و یا مردم مصر که از جمال عبدالناصر بُتی ساخته و به جهان عرب عرضه نمودند و یا هندیها که از گاندی یک استوره ساختند، انتقاد و ایرادی نداشته؟ آیا رهبران این کشورها راه خطا نرفتند؟ پس چرا امروز مجسمه آنها بر سر کوچه هایشان و نام این رهبران زینت بخش اماکن مقدسشان است ...؟!



ولی در ایران به ناجی کشورمان اهانت می کنند؟

پس من به عنوان یک ایرانی وظیفه دارم گناه رضا شاه را که پنجه در پنجه شیر پیر استعمار افکند بر شمارم و تاریخی را که از فرزندان ما دریغ داشته اند هر چند کوتاه - برشته تحریر کشم تا جوانان ما بدانند اگر ما امروز به هتک حرمت مردان پیشگام شویم فردا اجنبی و انیرانی برای ما حرمتی قائل نخواهد شد ... این بی حرمتی ها آغاز شده - صدای شیخ امارات را بشنوید که چگونه طلب جزایر میکند.

صدای خانم آلبرایت را بشنوید که چگونه 28 امرداد را از آن خود میداند؟

... صدای علی اف را بشنوید که چه سان بر طبل پان ترکیسم می کوبد و استقلال و وحدت ما را هدف قرار داده؟

چهره ی دژم ترکیه را بنگرید که چگونه بر ارزشها و مقدسات ما اخم کرده به رادیو اسرائیل گوش کنید ببینید چه بر سر تاریخ ما، اعتبار ما و حیثیت تاریخی ما می آورد؟

این صداها را ما خود بنیان گذارديم. ممکن است دل ایران پرستان بدرد آید ولی انترناسیونالیست های چپ و راست، ککشان نمی گزد. آنها بر حفظ قدرت و موقعیت خود پای می فشارند بهر قیمت و بهر طریق و با هر وسیله ...!

ما وظیفه داریم قدر کسانی را که در راه اعتلای کشور گام برداشته اند با سرافرازی پاس بداریم. در این کشور خشت روی خشت گذاردن کار هر کسی، نیست - عمران و آبادانی دشمنان بسیار دارد - خیلی ها ترقی و توسعه این کشور را بر نمی تابند - اگر دشمن حقارت و ضعف و ناتوانی ما را طلب میکند. دیگر ما نباید او را در این راه کمک و یاری کنیم ...

رضا خان از فردای حضورش در تهران، نشان داد که حامی و طرفدار انگلیس ها نیست و با اقتدار کامل و باهوش و زیرکی خدادادی، سید ضیاء را که عامل انگلیس ها بود و کودتا را بدنام کرده بود با حمایت و همراهی احمد شاه ظرف سه ماه از ایران بیرون راند و سفیر انگلیس در تهران را مات نمود.

نورمن سفیر انگلستان در ایران به دلیل دست کم گرفتن رضا خان مورد غضب آقای گرزن وزیر خارجه انگلستان قرار گرفت - نورمن متهم شد که نتوانسته جلوی سقوط سید ضیاء را بگیرد - ثرمن در نامه هایش به وزارت خارجه - رضا خان را دهاتی ساده و آدم جاه طلبی سیاسی معرفی کرده بود ولی اقتدار فکری و وطن پرستی بی ریای رضا خان - سید ضیاء و آقای ثرمن و سفارت انگلیس و وزارت خارجه را همه با هم و یک جا کیش و مات کرد.

آقای ثرمن به وزیر خارجه می نویسد: وزیر جنگ که فرماندهی دیویزیون قزاق هم هست ( یعنی رضا خان) و شاه پس از کشمکش های طولانی رئیس الوزراء را به زور از کار انداختند - تلاشهای من برای توطئه گران بجایی نرسید - چون وزیر جنگ پس از عقب نشینی سپاهیان ما دیگر از ما نمی ترسید !!

هم چنان که رضا خان در صحنه سیاسی ایران بالا می آمد از اقتدار دیپلماتهای انگلیس در ایران کاسته می شد - بطوری که ثرمن به لندن احضار شد و هفته ها پشت در اتاق وزیر خارجه آقای گرزن به انتظار دیدار نشست و عاقبت وزیر او را نپذیرفت و سپس پستی ناقابل به او پیشنهاد کرد که نپذیرفت و خانه نشین شد. اقدامات رضا خان تنها ثرمن سفیر انگلیس را خانه نشین نکرد بلکه آن سیاست مرموزانه و خصمانه و گاه رذیلانه استعماری انگلیس بود که در ایران خانه نشین شد - تا آن گاه که دزدانه و ناجوانمردانه با دشمن دیرین ایران یعنی شوروی ساخته و بر ما تاخته و رضا شاه را از ایران به تبعید بردند - از آن روز که بی.بی.سی بر علیه رضا شاه اهانت و افترا و توهین را آغاز کرد - صداهای نا مردمی داخلی هم در مجلس و محافل دیگر شنیده شده که همچنان پس از انقلاب تشدید شده است.

پیدا است که انگلیس ها سخت نا خرسند بودند ... ولی از خدا که پنهان نیست از شما هم پنهان نباشد ... انگلیس ها همیشه در ایران عواملی داشته اند که زبان آنان باشند و از سیاست هایشان پیروی و حمایت کنند آن پدر و پسر که هر دو رانده شده از ایران بودند گناه شان خدمت به ایران و پشت کردن به منافع بیگانگان بود و بس ...